



چارگاہ علی امام صادق

سید محمد حسین حسینی

حضرت روا داشته شد، تا آنجا که گاه شبانه به منزل آن حضرت هجوم می بردند و با وضع دلخراشی او را نزد منصور می بردند.

منصور جسارت را به آنجا رساند که به دستور او خانه امام صادق علیه السلام را در حالی که همسر و فرزندان داخل آن بودند، آتش زدند.

سرانجام منصور دوانیقی آن حضرت را در سن ۶۵ سالگی، در روز ۲۵ شوال سال ۱۴۸ ه. ق در مدینه منوره به وسیله انگور زهرآلودی به شهادت رساند و در قبرستان بقیع به

نام امام ششم شیعیان «جعفر»، کنیه اش «ابو عبدالله»، لقبش «صادق»، پدر بزرگوارش امام باقر علیه السلام و مادر مکرماهش «ام فروه» می باشد. آن حضرت در هفدهم ربیع الاول سال ۸۳ هجری قمری دیده به جهان گشود. و در سال ۱۱۴ به امامت رسید. امامت حضرت همزمان بود با خلافت هشام، ولید، یزید بن ولید، ابراهیم بن ولید و مروان حمار از خلفای بنی امیه، و عبدالله بن محمد سفاح، منصور دوانیقی از خلفای بنی عباس.

بیشترین ستم از طرف منصور بر آن

خاک سپرده شد.

آنچه پیش رو دارید نگاهی است گذرا به جایگاه و موقعیت علمی و شخصیتی آن حضرت در تاریخ اسلام و نزد شخصیت‌های جهان اسلام.

امام صادق علیه السلام از زبان دیگران

در عظمت و شخصیت و جامعیت امام صادق علیه السلام نزد شیعیان و علمای شیعه جای هیچ سخن و گفتگویی نیست؛ چرا که او آنقدر عظمت دارد که مذهب تشیع به نام او شهرت یافته و به اسم او مزین شده، و مکتب جعفری یاد می‌شود.

ولی:

خوشر آن باشد که وصف دلبران

گفته آید بر زبان دیگران
جالب این است که مخالفان و پیروان مذاهب دیگر نیز به عظمت او اقرار و اعتراف داشته‌اند. اینک به نمونه‌هایی در این زمینه اشاره می‌شود:

۱. منصور دوانیقی: او که دشمن جان

حضرت صادق علیه السلام بود، با این حال تحت تأثیر عظمت و جایگاه او قرار گرفته می‌گوید: «إِنَّ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ كُنَّ مِمَّنْ قَالَ اللَّهُ فِيهِ «ثُمَّ أَوْزَنَّا الْكِتَابَ الَّذِينَ

اضْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا» وَكَانَ مِمَّنْ اضْطَفَى اللَّهُ وَكَانَ مِنَ السَّابِقِينَ بِالْخَيْرَاتِ؛^۱ به راستی جعفر بن محمد از کسانی بود که خدا درباره آنها می‌فرماید: «سپس این کتاب [آسمانی] را به گروهی از بندگان برگزیده خود به ارث دادیم.» و او از کسانی بود که خدا او را برگزیده بود، و او از پیشتازان انجام خیرات بود.»

۲. مالک بن انس: پیشوای فرقه مالکی می‌گوید: «مدتی نزد جعفر بن محمد رفت و آمد می‌کردم، او را همواره در یکی از سه حالت دیدم: یا نماز می‌خواند یا روزه بود و یا قرآن تلاوت می‌کرد، و هرگز او را ندیدم که بدون وضو حدیث نقل کند.»^۲ و اضافه می‌کند: «مَا رَأَتْ عَيْنٌ وَلَا سَمِعَتْ أُذُنٌ وَلَا خَطَرَ عَلَى قَلْبٍ بَشَرٍ أَفْضَلَ مِنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ عِلْمًا وَعِبَادَةً وَوَرَعًا»^۳ در علم و عبادت و پرهیزکاری، برتر از

۱. تاریخ یعقوبی، ج ۳، ص ۱۷.

۲. ابن حجر عسقلانی، تهذیب التهذیب، بیروت، دارالفکر، دوم، ۱۴۰۴ ق، ج ۱، ص ۸۸.

۳. الامام الصادق و المذاهب الاربعه، حیدر اسد، بیروت، دارالکتب العربی، دوم، ج ۱، ص ۵۳؛ تهذیب التهذیب، ج ۲، ص ۱۰۴؛ اعلام الهدایه، همان، ص ۲۱.

جعفر بن محمد هیچ چشمی ندیده و هیچ گوشی نشنیده و به قلب هیچ بشری خطور نکرده است.»

۳. ابن خلکان: این مورخ مشهور می نویسد: «او یکی از امامان دوازده گانه در مذهب امامیه، و از بزرگان خاندان پیامبر است که به علت راستی و درستی در گفتار، وی را صادق می خوانند. فضل و بزرگواری او مشهورتر از آن است که نیاز به توضیح باشد.»^۱

۴. عبدالرحمان بن ابی حاتم رازی: او می گوید: از پدرم شنیدم که همیشه می گفت: «جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ ثِقَّةٌ لَا يُسْتَلُّ عَنْهُ؛ جعفر بن محمد فرد مورد اعتمادی است که هرگز [از آنچه می گوید و نقل می کند] مورد پرسش قرار نمی گیرد.»^۲ یعنی، هر چه می گوید و نقل می کند درست و مطابق واقع است.

۵. ابو حاتم محمد بن حیان (۳۵۴ هـ): او می گوید: «[جعفر بن محمد] كَانَ مِنْ سَادَاتِ أَهْلِ النَّبِيِّتِ فِقْهًا وَعِلْمًا وَقَضْلًا؛ [جعفر بن محمد] از بزرگان اهل بیت از نظر فقاقت و دانش و فضیلت بود.»^۳

۶. ابو عبدالرحمان اسلمی

(۴۱۲-۳۲۵ هـ): وی می گوید:

«فَاقَ جَمِيعَ أَقْرَانِهِ مِنْ أَهْلِ النَّبِيِّتِ عليه السلام وَ هُوَ ذُو عِلْمٍ غَزِيرٍ وَ زُهْدٍ بَالِغٍ فِي الدُّنْيَا وَ وَرَعَ تَامًّا عَنِ الشَّهَوَاتِ وَ آدَبٌ كَامِلٌ فِي الْحِكْمَةِ؛ [جعفر بن محمد] بر تمامی نزدیکان خویش از اهل بیت برتری داشت، و او دارای علم فراوان، زهد کامل نسبت به دنیا و پرهیزگاری تمام از شهوات و تمایلات و ادب کامل در حکمت بود.»^۴

۷. محمد بن طلحه شافعی (م ۶۵۲ هـ):

وی درباره او صاف و جایگاه و عظمت امام صادق علیه السلام کلام جامع و زیبایی دارد. او می گوید: «جعفر بن محمد از بزرگان اهل بیت عليه السلام و رؤسای آنان بود. قرآن زیاد تلاوت می کرد، در معانی آن جستجو می کرد و گنجهایی از دریای آن استخراج نموده، و

۱. وفيات الاعيان، تحقیق از دکتر احسان عباس، قم، منشورات الشريف الرضي، دوم، ۱۳۶۴ ش، ج ۱، ص ۳۲۷.

۲. الجرح والتعديل، ج ۲، ص ۴۸۷، به نقل از اعلام الهدایه، همان، ص ۲۲.

۳. اعلام الهدایه، همان، ج ۱، ص ۲۲، الثقات، ج ۶، ص ۱۳۱.

۴. الامام الصادق و المذاهب الاربعه، همان، ج ۱، ص ۵۸؛ اعلام الهدایه، همان، ص ۲۲.

او کسی بود که دیدنش انسان را به یاد آخرت می‌انداخت، و شنیدن کلامش باعث بی‌رغبتی نسبت به دنیا می‌شد، و پیروی از هدایت او بهشت را به دنبال دارد.

جایگاه علمی حضرت صادق علیه السلام
دانشگاه امام صادق علیه السلام و وسعت
آن بر کسی پوشیده نیست، و علمای اسلام
بر آن اتفاق نظر دارند. محققان شیعی و اهل
سنت آن حضرت را پیشوا و پیشگام در
بسیاری از علوم و مذاهب اسلامی می‌دانند.
نقش آن حضرت در نشر علوم مختلف و
ترویج حدیث، از گفتار و نوشتار و نیز
تربیت شاگردانش پیداست.^۳

شگفتیها و عجایب قرآن را به نمایش
می‌گذاشت. او اوقات خویش را بر
اقسام طاعت و بندگی تقسیم نموده
بود، به گونه‌ای که نفس خویش را بر آن
حسابرسی می‌نمود.

او کسی بود که دیدنش انسان را به
یاد آخرت می‌انداخت، و شنیدن
کلامش باعث بی‌رغبتی نسبت به دنیا
می‌شد، و پیروی از هدایت او بهشت را
به دنبال دارد. دارای نوری بود که
پیشانی او شهادت می‌داد که از سلاله
نبوت است، و پاکی رفتارش ظاهر
می‌ساخت که او از نسل رسالت است.
جماعتی از پیشوایان [مذاهب] و
بزرگان از او حدیث نقل کرده‌اند و از
محضر او استفاده برده‌اند، و این
استفاده علمی را شرافت و فضیلتی
برای خود می‌دانستند. مناقب و
اوصاف او به حدی است که شمارشگر
از شمارش آن عاجز است، و فهم
انسان بیدار بینا در آن حیران، ...»^۱

۸. بخاری می‌نویسد: «**لَاتَفَقُوا عَلَيَّ**
جَلَالَةَ الصَّادِقِ وَسَيَادَتِهِ؛ همه (امت) بر
بزرگی و آقای صدیق اتفاق نظر
دارند.»^۲

۱. همان، ج ۱، ص ۲۳، مطالب السؤل، ج ۲، ص ۵۶.

۲. اعلام الهدایه، همان، ج ۱، ص ۲۴، بنایع
الموده، قندوزی، ج ۳، ص ۱۶۰.

۳. ر.ک: شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱،
ص ۱۸؛ تاریخ التشریح الاسلامی، ص ۲۶۳.

شاگردان محضرش را چهار هزار نفر گفته‌اند. شیخ مفید می‌گوید: «إِنَّ أَصْحَابَ الْحَدِيثِ قَدْ جَمَعُوا الرُّوَاةَ عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام مِنَ الثَّقَاتِ عَلَى إختلافهم فى الآراءِ وَالْمَقَالَاتِ فَكَانُوا أَرْبَعَةَ آلَافٍ؛ اهل حدیث کسانی را که از امام صادق علیه السلام روایت نقل کرده‌اند جمع‌آوری نموده‌اند، و تعداد افراد ثقه [و مورد اطمینان] آنها علی‌رغم اختلافشان در نظریات و گفتار، به چهار هزار نفر می‌رسند.»^۱

شهید اول نیز تصریح کرده است که شاگردان معروف آن حضرت از اهل حجاز و شام و عراق به چهار هزار نفر می‌رسیدند.^۲ جهت روشن شدن این بخش، بحث را در سه قسمت جداگانه پی می‌گیریم:

الف. اعتراف دیگران

۱. «ابو حنیفه»، پیشوای معروف فرقه حنفیه که دستگاه وقت او را در مقابل امام صادق علیه السلام قرار داده بود، گاه مجبور می‌شد به عظمت علمی امام صادق علیه السلام اقرار نماید.

ابو حنیفه می‌گوید: زمانی که منصور [دوانیقی] جعفر بن محمد را

احضار کرده بود، مرا خواست و گفت: مردم شیفته جعفر بن محمد شده‌اند، برای محکوم ساختن او یک سری مسائل مشکل را در نظر بگیر. من چهل مسئله مشکل آماده کردم. روزی منصور که در «حیره» بود، مرا احضار کرد. وقتی وارد مجلس وی شدم، دیدم جعفر بن محمد در سمت راست او نشسته است. وقتی چشمم به او افتاد، آنچنان تحت تأثیر ابهت و عظمت او قرار گرفتم که چنین حالی از دیدن منصور به من دست نداد. سلام کردم و با اشاره منصور نشستم. منصور رو به وی کرد و گفت: این ابو حنیفه است. او پاسخ داد: بله می‌شناسم. سپس منصور رو به من کرده گفت: ای ابو حنیفه! مسائل خود را با ابو عبدالله در میان بگذار.

در این هنگام شروع به طرح مسائل کردم. هر مسئله‌ای می‌پرسیدم، پاسخ می‌داد. عقیده شما در این باره

۱. شیخ مفید، الارشاد، قم، مکتبه بصیرتی، ص ۲۷۱.

۲. محمد بن مکی العاملی، ذکری الشیعه، قم، مکتبه بصیرتی.

عده‌ای از بزرگان و پیشوایان اهل سنت از محضر علمی حضرت صادق علیه السلام استفاده علمی برده‌اند و به بزرگی و تفوق و برتری او اتفاق نظر داشته‌اند

چنین و عقیده اهل مدینه چنان و عقیده ما چنین است. در برخی مسائل با نظر ما موافق، و در برخی دیگر با اهل مدینه موافق، و گاهی با هر دو مخالف بود. بدین ترتیب چهل مسئله را مطرح کردم، و همه را پاسخ داد. ابو حنیفه به اینجا که رسید، با اشاره به امام صادق علیه السلام گفت: «[او] دانشمندترین مردم، آگاه‌ترین آنها به اختلاف مردم در فتاوا و مسائل فقهی است».^۱ در جای دیگر از او چنین نقل شده است که گفت: «مَا رَأَيْتُ أَفْقَهَ مِنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ.

وَقَالَ: لَوْلَا السَّنَتَانِ لَهَلَكَ الثُّغْمَانُ؛ من دانشمندتر از جعفر بن محمد ندیده‌ام. و گفت: اگر آن دو سال نبود، نعمان (=ابو حنیفه) هلاک می‌شد.»^۲ منظور از دو سال زمانی است که خدمت امام صادق علیه السلام می‌رسید و از او دانش فرا می‌گرفت.

۲. ابن حجر هیتمی می‌نویسد: «به قدری علوم از او (جعفر بن محمد) نقل شده است که زبانزد مردم گشته و آوازه آن در همه جا پخش شده است و بزرگ‌ترین پیشوایان [فقه و حدیث] مانند یحیی بن سعید، ابن جریج، مالک، سفیان ثوری، سفیان بن عیینه، ابو حنیفه، شعبه و ایوب سجستانی از او [حدیث] نقل کرده‌اند.»^۳

۳. ابو بحر جاحظ، یکی از

۱. بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، تهران، المكتبة الاسلامیه، دوم، ۱۳۹۵ ه. ق، ج ۴۷، ص ۲۱۷؛ حیدر اسد، الامام الصادق و المذاهب الاربعه، بیروت، دارالکتب العربی، دوم، ۱۳۹۰ ه. ق، ج ۴، ص ۳۳۵.

۲. تذکره الحفاظ، محمد شمس الدین ذهبی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ج ۱، ص ۱۶۶ و مناقب ابی حنیفه، ج ۱، ص ۱۷۲.

۳. ابن حجر هیتمی، الصواعق المحرقة، قاهره، مکتبه القاهره، دوم، ۱۳۸۵ ه. ق، ص ۲۰۱.

۱. «الْأَهْلِيلِيحِجَه فِي التَّوْحِيدِ» که آن را حضرت در رد منکران ربوبیت حضرت باری تعالی نگاشت.^۳
 ۲. کتاب «التوحید» که حضرت املا کرد و مفضل بن عمر آن را تحریر نمود.^۴
 ۳. رساله «اهوازیه» که در پاسخ والی اهواز نوشته شد.^۵

۴. «رِسَالَةُ الْإِمَامِ إِلَى أَصْحَابِهِ» که راهنمایی برای سلوک یاران ایشان می باشد.^۶
 ۵. «رِسَالَةُ فِي الْغَنَائِمِ» که پاسخهای حضرت پیرامون خمس و غنایم است.^۷

۶. «رِسَالَةُ فِي وَجْهِ مَعَايِشِ الْعِبَادِ» که

دانشمندان مشهور قرن سوم می گوید: «جعفر بن محمد کسی است که علم و دانش او جهان را پر کرده است و گفته می شود که ابو حنیفه و همچنین سفیان ثوری از شاگردان او هستند و شاگردی این دو تن در اثبات عظمت علمی او کافی است.»^۱

۴. ابن صَبَّاح مالکی (۷۸۴-۸۵۵ هـ) می گوید: آنقدر علوم از او (جعفر بن محمد) نقل شده است که سواران آن را حمل می کنند، و آوازه و شهرت آن در تمام شهرها رسیده است، و علما از هیچ یک از اهل بیت علیهم السلام به اندازه او حدیث نقل نکرده اند.^۲

ب. کتب و شاگردان حوزه شیعی

نامدارترین شاگردان آن حضرت در حوزه شیعی عبارتند از؛ جمیل بن دراج، عبدالله بن مسکان، عبدالله بن بکیر، حماد بن عیسی، حماد بن عثمان، ابان بن عثمان، هشام بن الحکم، مفضل و ... که این شاگردان کتب بسیاری را از خود آن حضرت نقل نموده اند، و یا خود تألیف کرده اند. برخی از کتابهای منسوب به حضرت صادق علیه السلام از این قرار است:

۱. الامام الصادق و المذاهب الاربعه، همان، ج ۱، ص ۵۵.
۲. اعلام الهدایه، همان، ج ۱، ص ۲۴؛ الفصول المهمه، ابن صباغ المالکی، ص ۲۲۲.
۳. بحار الانوار، همان، ج ۳، ص ۱۵۶-۱۵۲؛ الذریعه، ج ۲، ص ۴۸۴.
۴. بحار الانوار، همان، ص ۱۵۲-۵۷، و مستقلاً نیز چاپ شده است.
۵. همان، ج ۷۷، ص ۱۸۹؛ الذریعه، ج ۲، ص ۴۸۵؛ کشف الریبه، ص ۱۲۲.
۶. الکافی، ج ۸، ص ۲-۱۴.
۷. تحف العقول، علی بن شعبه، ص ۳۳۱.

من می‌دانم آنچه را در
 آسمانها و آنچه در زمین
 است و می‌دانم آنچه در
 بهشت است؛ می‌دانم آنچه
 در آتش است و می‌دانم
 آنچه بوده است و آنچه
 خواهد بود.

شاگردان حوزه اهل سنت

عده‌ای از بزرگان و پیشوایان اهل
 سنت از محضر علمی حضرت
 صادق علیه السلام استفاده علمی برده‌اند و به

۱. همان، ص ۳۳۱؛ مکاسب شیخ انصاری، ص ۱-۲.
۲. الذریعه، همان، ج ۲، ص ۱۰۹.
۳. تحف العقول، همان، ص ۳۲۴-۳۱۵.
۴. رجال النجاشی، ابوالعباس، قم، مکتبه الداوری، ص ۱۴.
۵. رک: تدوین السنه، سید محمدرضا حسینی جلالی، ص ۱۶۷-۱۶۷.
۶. سیر حدیث در اسلام، سید احمد میرخانی، دوم، تهران، ص ۲۰۴-۱۰۹.
۷. همان، ص ۲۰۶.

پیرامون انواع حرفه‌ها، تجارت،
 صنعت و ... می‌باشد.^۱

۷. «الجغریات» که مجموعه
 روایاتی است به ترتیب ابواب فقه که
 امام کاظم علیه السلام آن را نقل نموده است.^۲
 همین کتاب به نام «اشعثیات» معروف
 است که به نام راوی آن محمد بن
 الاشعث شهرت یافته است.

۸. «نثر الدرر» صحیفه‌ای است در
 کلمات قصار حضرت که گویا به
 صورت مجموعه‌ای واحد بود و ابن
 شعبه حرانی آن را در تحف العقول
 یکجا آورده است.^۳

۹. «کتاب الحج» که ابان بن
 عبدالملک آن را نقل کرده است.^۴ به
 جز اینها نوشته‌های دیگری نیز به آن
 حضرت منسوب است.^۵

کتابهایی که توسط شاگردان
 حضرت تألیف شده بسیار است، تعداد
 آنها چهارصد بلکه بیشتر نیز گفته شده
 است. نویسنده کتاب «سیر حدیث در
 اسلام»^۶ سیصد و هفتاد و سه تن را با
 ذکر تألیف و نوشته آنان ذکر کرده که از
 میان آنان بیست نفر کسانی‌اند که بیش
 از یک تألیف دارند.^۷

به او توصیه‌های گرانبهایی دارد، و درباره زهد با حضرت مناظره نموده است.^۴

۴. سفیان بن عیینة بن ابی عمران الکوفی المکی، متولد ۱۰۷ ه. ق در کوفه، و متوفای ۱۹۸ ه. ق در مکه نیز در جوانی طبق تصریح عده‌ای از علمای اهل سنت و شیعه از محضر امام صادق علیه السلام بهره علمی برده است.^۵

۵. یحیی بن سعید بن قیس الانصاری که قاضی دستگاه منصور دوانیقی در مدینه بود و سرانجام قاضی القضاة دستگاه شد و در سال ۱۴۳ ه. ق از دنیا رفت، نیز از شاگردان آن حضرت بوده است.^۶

۶. عبدالملک بن عبدالعزیز بن جریح المکی معروف به ابن جریح متولد ۸۰ ه. ق و متوفای ۱۴۹ ه. ق، از دیگر شاگردان امام صادق علیه السلام از بین علمای عامه است. او کسی است که بر

بزرگی و تفوق و برتری او اتفاق نظر داشته‌اند؛ چنان که به این مسئله شیخ سلیمان قندوزی در *ینابیع المودة*، و نووی در *تهذیب الاسماء* و ... اشاره کرده‌اند؛ و استفاده علمی از محضر آن حضرت را شرف و فضیلت و بزرگی برای خویش می‌دانستند، چنان که از شافعی قبلاً نقل شد.^۱

در این بخش به برخی از شاگردان آن حضرت در حوزه اهل سنت اشاره می‌کنیم:

۱. نعمان بن ثابت معروف به ابو حنیفه پیشوای مشهور فرقه حنفیها. طبق نقل ابن حجر، شیخ سلیمان قندوزی، ابن صباغ و آلوسی، او دو سال از حضرت صادق علیه السلام بهره برده است.^۲

۲. مالک بن انس مدنی پیشوای فرقه مالکی از مذاهب چهارگانه اهل سنت، متوفای ۱۷۹ ه. ق نیز از محضر امام صادق علیه السلام بهره برده است.^۳

۳. سفیان بن سعید بن مسروق ثوری کوفی، متوفای ۱۶۱ ه. ق نیز شاگرد امام صادق علیه السلام بوده و مسائلی از حضرت روایت نموده و حضرت نیز

۱. اعلام الهدایه، همان، ج ۱، ص ۲۲۸.

۲. همان، ج ۱، ص ۲۲۹.

۳. همان.

۴. همان.

۵. همان، ص ۲۳۰.

۶. همان.

تنوع علم و شاگردان

غالب کسانی که در مقام تعلیم علمی بر آمده‌اند، در یک رشته خاص و یا حداکثر در دو سه رشته توانسته‌اند قدرت علمی خویش را نشان دهند. هر چه مقدار رشته‌ها و شاخه‌های علمی بیشتر شود، قدرت علمی افراد نیز کمتر و کم‌رنگ‌تر می‌شود. اما عظمت علمی امام صادق علیه السلام هم در فقه در اوج قرار دارد و شاگردان بی‌شماری را تربیت نموده و هم در تفسیر، هم در کلام و هم در فلسفه، نهایی‌ترین نظریات را ارائه می‌دهد و هم در سلوک و عرفان کوتاه‌ترین راه پیمودنی را پیش روی عارفان قرار می‌دهد و در علم جبر و شیمی و علوم غریبه نیز نظریات شگرفی را بیان نموده است.

این قدرت علمی از دیدگاه تشیع که امامان خویش را معصوم و منبع علم

اثر تعلیمات امام صادق علیه السلام متعه و عقد موقت را حلال می‌دانست و در کافی در باب حلیت متعه از او روایت نقل شده است و در طریق سند روایات صدوق نیز واقع شده است.^۱

۷. ابوسعید یحیی بن سعید القطن البصری متوفای ۱۹۸ ه. ق محدث زمانش بوده و صاحبان کتب صحاح سته از او روایت نقل نموده‌اند.

۸. محمد بن اسحاق بن یسار صاحب المغازی و سیر متوفای ۱۵۱ ه. ق که شیعه و سنی فراگیری علم او از امام صادق علیه السلام را نقل کرده‌اند.^۲

۹. شعبه بن الحجاج الازدی که از بزرگان و سرشناسان اهل سنت به حساب می‌آید و طبق گواهی گروهی از اهل سنت و کتب رجالی شیعه، از شاگردان امام صادق علیه السلام بوده است.^۳

۱۰. ایوب بن ابی تمیمه السجستانی البصری از دیگر شاگردان حضرت صادق علیه السلام در میان علمای اهل سنت است.^۴

و غیر از اینها، افراد دیگری نیز در میان اهل سنت بوده‌اند که از محضر امام صادق علیه السلام بهره برده‌اند.^۵

۱. همان.

۲. همان، ص ۲۳۱.

۳. همان، ص ۲۳۱-۲۳۲.

۴. همان، ص ۲۳۲.

۵. ر. ک: الامام الصادق، محمد حسین المظفر،

ص ۱۳۰-۱۲۷.

شده است و شاگردانی چون جمیل بن دراج، عبدالله بن مسکان، حماد بن عثمان و... در فقه تحویل جامعه اسلامی داده است.

و هم در کلام محکم‌ترین آراء را بیان نموده و شاگردانی چون هشام بن الحکم و مفضل بن عمر را تربیت نموده است و در تفسیر نیز ژرفای قرآن را بیان نموده و شاگردانی چون ابو حمزه ثمالی پرورش داده است. و در فلسفه ید طولایی دارد، که در این باره «سید میر علی» با اشاره به فرقه‌های مذهبی و مکاتب فلسفی دوران بنی امیه می‌نویسد: «فتاوا و آرای دینی تنها نزد سادات و شخصیت‌های فاطمی رنگ فلسفی به خود گرفته بود. گسترش علم در آن زمان، روح بحث و جستجو را برانگیخته بود و بحثها و گفتگوی فلسفی در همه اجتماعات رواج یافته بود. شایسته ذکر است که رهبری این حرکت فکری را حوزه علمیه‌ای که در مدینه شکوفا شده بود، به عهده داشت.

۱. اعلام الهدایه، همان، ج ۸، ص ۲۳، مطالب السؤل، ج ۲، ص ۵۶.

آنها را الهامات الهی و ارث پیامبری می‌دانند، جای هیچ شگفتی ندارد؛ اما از نظر کسانی که چنین اعتقادی ندارند، مسئله فوق العاده عجیب و شگرف خواهد بود.

جالب این است که در میان اهل سنت هم کسانی وجود دارند که در حدی، الهی بودن علم حضرت صادق علیه السلام را متوجه شده باشند. از جمله این افراد محمد بن طلحه شافعی است. او می‌گوید: «او (امام صادق علیه السلام) از بزرگان اهل بیت، و سران آنها است که دارای علوم فراوانی است... تا آنجا که از زیادی علوم افاضه شده [از طرف خداوند] بر قلبش، از ظرف تقوی، احکامی که علل و فلسفه آن قابل درک نیست و علومی که فهمها از احاطه بر حکم آن عاجزند، به او نسبت داده شده و از او نقل شده است.»^۱

آری امام صادق علیه السلام در فقه بهترین نظریات را ارائه نموده که هم اکنون روایات فقهی او در کتب اربعه (تهذیب و استبصار شیخ طوسی، کافی کلینی، من لا یحضره الفقیه صدوق) و وسائل الشیعه حر عاملی و... گردآوری

امامان معصوم از جمله امام صادق علیه السلام به تمام علوم هستی آگاهی دارند؛ چنان که خود فرمود: «إِنِّي لَأَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَعْلَمُ مَا فِي الْجَنَّةِ وَأَعْلَمُ مَا فِي النَّارِ وَأَعْلَمُ مَا كَانَ وَمَا يَكُونُ...»^۱؛ من می دانم آنچه را در آسمانها و آنچه در زمین است و می دانم آنچه در بهشت است؛ می دانم آنچه در آتش است و می دانم آنچه بوده است و آنچه خواهد بود.»



۱. مختصر تاریخ العرب، تقریب عقیف البعلکی، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۹۶۷ میلادی، ص ۱۹۳؛ سیره پیشوایان، مهدی پیشوایی، ص ۳۵۲.
۲. وفیات الاعیان، همان، ج ۱، ص ۳۲۷؛ دائرة المعارف القرن العشرين، محمد فرید وجدی، بیروت، دارالمعرفه، ج ۳، ص ۱۰۹.
۳. محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، دارالکتب الاسلامیه، ج ۱، ص ۲۶۱.

این حوزه را نبیره علی بن ابی طالب به نام امام جعفر که صادق علیه السلام لقب داشت، تأسیس کرده بود. او پژوهشگری فعال و متفکری بزرگ بود و با علوم آن عصر بخوبی آشنایی داشت و نخستین کسی بود که مدارس فلسفی اصلی را در اسلام تأسیس کرد. در مجالس درس او تنها کسانی که بعدها مذاهب فقهی را تأسیس کردند، شرکت نمی کردند؛ بلکه فلاسفه و طلاب فلسفه از مناطق دور دست در آن حاضر می شدند. «حسن بصری» مؤسس مکتب فلسفی [و کلامی] «بصره» و «واصل بن عطاء» مؤسس مذهب معتزله، از شاگردان او بودند که از زلال چشمه دانش او سیراب می شدند.»^۱

و همین طور حضرت در علم شیمی و امثال آن نیز صاحب نظر بود که نظریات آن حضرت در این زمینه توسط شاگردش ابو موسی جابر بن حیان در کتابی مشتمل بر هزار ورق و پانصد رساله تدوین و گردآوری شده است.^۲

براساس باورهای شیعه تمامی